

چکیده

زبان قرآن، به‌عنوان نوع خاصی از گفتار، با نظام تربیتی اسلام مطابقت کامل دارد. تحلیل متن‌شناسانه‌ی قرآن، یکی از روش‌های شناخت لایه‌های نهفته‌ی تربیتی آن به‌شمار می‌آید و می‌تواند راهبردهایی برای تربیت اجتماعی در یک جامعه‌ی دینی ارائه دهد. در این جستار، با استفاده از دانش زبان‌شناسی و متمرکز بر نظریه‌ی کارگفت‌های جان سرل (۱۹۶۹ م)، کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ با توجه به بافت موقعیتی، بازخوانی شده است تا به روابط اجتماعی، به‌عنوان یکی از ابعاد تربیت اجتماعی پرداخته شود. پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی، سازوکارهای تولید معنا در کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ را، به‌عنوان یکی از بانوان برگزیده قرآنی بررسی کند. یافته‌ها بیانگر سبک ارتباطی شایسته‌ی زنان در برقراری تعاملات اجتماعی است و به شاخص‌سازی تربیت اجتماعی زنان، بر اساس قصص قرآنی می‌انجامد. در کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ، بیشتر کنش‌گفتارها از نوع اظهاری است و این به سبب قرار گرفتن ملکه، در صحنه‌ی زندگی اجتماعی و ضرورت تجلی حضور عقیفانه‌ی زن و خردمندی وی در جامعه است. از کنش‌گفتار ترغیبی نیز، با هدف بهره‌گیری از عقل جمعی استفاده شده است. کنش‌گفتار عاطفی و اعلامی، به‌صورت محدود و تنها در تعامل ملکه‌ی سبأ با خداوند متعال و همچنین حضرت سلیمان^(ع) در مقام پیام‌آور الهی مشاهده می‌شود.

مرضیه محمص

دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، نویسنده مسئول
M_mohases@sbu.ac.ir

واژگان کلیدی:

تربیت اجتماعی، ملکه‌ی سبأ، حضرت سلیمان(ع)، نظریه‌ی کنش‌گفتار، بافت اجتماعی.

۱. مقدمه

محیط اجتماعی و ادبیات گفتاری و نوشتاری، رابطه‌ای تنگاتنگ باهم دارند. بسیاری از متون، بازتاب محیط اجتماعی خویش‌اند. نظر به اینکه قرآن کریم از قلمروهای متفاوت زبانی بهره برده و با گزینش آگاهانه و هدفمند الگوهای منظم زبان و به‌کارگیری سازه‌های زیبایی‌شناختی زبان و افزایندهای هنری، نمود ویژه‌ای به کلام بخشیده (فتوحی، ۱۳۹۰، ص ۷۹) و گزینش‌های هدفمند، یکی از شیوه‌های مهم در روایت قصه‌های قرآنی است؛ پس تحلیل بهتر داستان‌های آن، منوط به معیارها و قوانین متعارف زبان‌شناختی است.

نقش داستان در قرآن، دعوت به آموزه‌های دینی است (سید قطب، ۱۳۵۹، ص ۱۳۳) و استفاده از اسلوب گفتگو در قصه‌های قرآن سبب می‌شود خواننده حرکت از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر و فضای حاکم بر موقعیت را با تمام وجود احساس کند (فضل‌الله، ۱۳۸۰: ۲۳۲) و از زوایای گوناگون شخصیت‌ها پرده بردارد (حفنی، ۱۹۹۵، ص ۱۳۲) در این میان، بهره‌گیری از ابزارها و دانش‌های جدید، نوعی تدبیر روشمند در آیات و مصادیق آن شمرده می‌شود، به‌ویژه آنکه «پیشرفت سریع این دانش‌ها - به‌ویژه در قرن بیستم- امکاناتی را پدید آورده که مطالعه‌ی زبان دین و متون دینی را وارد مرحله جدیدی ساخته است» (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۳۷). این ابزارهای جدید دانش‌های نوین، گستره‌های نو و افق‌های معنایی تازه‌ای را فراروی محققان قرآنی قرار می‌دهد.

کاربردشناسی، به‌عنوان رویکردی زبان‌شناختی، به بررسی چگونگی پیوند متون با محیط اجتماعی می‌پردازد. در این میان، نظریه‌ی کنش‌گفتاری سرل، یکی از پرکاربردترین آرای کاربردشناسی به‌شمار می‌آید. الگوی کنش‌گفتاری، بستر مناسبی برای دریافت موقعیت‌ها و کنش‌های بانویی برخوردار از جایگاه اجتماعی، در موقعیت‌های متفاوت است و به ترسیم مؤلفه‌های تربیت اجتماعی برای حضور زنان در اجتماع می‌انجامد. این مقاله بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب نظریه کارگفت‌های جان سرل^۱ (۱۹۶۹)، به بررسی آیات مربوط به ملکه‌ی سباء در قرآن بپردازد. گفتمان ملکه‌ی سبأ، به‌نحو منسجم و پیوسته، در آیات ۲۰ تا ۴۴ سوره‌ی نمل و در تعامل با روایتی از حضرت سلیمان^(ع) ذکر شده است. پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- کنش‌گفتارها در گفتمان ملکه‌ی سبأ چگونه مطرح شده است؟
- ۲- به‌کارگیری کنش‌گفتارها در گفتمان ملکه‌ی سبأ، چه دلالت‌هایی را در حوزه‌ی تربیت اجتماعی زنان نشان می‌دهد؟
- ۳- انواع به‌کارگیری کنش‌گفتارها در قصه‌ی ملکه‌ی سبأ، چه میزان با بافت موقعیت متناسب بوده است؟

تاکنون پژوهش‌هایی درباره‌ی کاربرد نظریه‌ی کنش‌گفتار در قرآن کریم انجام شده است؛ از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

مقاله‌ی «تحلیل متن‌شناسانه سوره‌ی بقره بر اساس نظریه کنش‌گفتار» از زارع و برزگر (۱۳۹۲)،

با روش توصیفی-تحلیلی دریافت شده است که غالباً در ارتباط خالق و مخلوق، برای مفهوم بشارت و انذار، از کنش‌های منظوری استفاده می‌شود.

در مقاله‌ی «تأثیر بافت زمانی مکانی بر تحلیل کنش‌گفتار، مقایسه‌ی فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن» از حسینی معصوم و رادمهر (۱۳۹۴)، به دست آمده است که در سوره‌های مدنی، کنش‌گفتارهای اظهاری کمتر و کنش‌گفتارهای عاطفی، ترغیبی، تعهدی و اعلامی بیشتر به کار رفته است.

در پژوهش «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه‌ی کنش‌گفتاری»، ویسی و اورکی (۱۳۹۴)، نقش کنش‌گفتارها در بیان منظور جملات استفهامی بررسی شده است.

مقاله‌ی «تحلیل متن سوره مریم بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتاری با تأکید بر الگوی جان سرل»، از حسنونند (۱۳۹۸)، به این نتیجه رسیده است که در سوره‌ی مریم کنش‌گفتاری، ترغیبی و عاطفی بیشترین بسامد را داشته است.

در پژوهش «نگرشی کاربردی به رفتارشناسی ملکه‌ی سبأ در تعامل با مردم، در تفسیر آیات ۲۳ و ۲۴ نمل»، از نادری و بهجت‌پور (۱۳۹۷) نیز، تنها بحث مشروعیت جهاد ابتدایی معصومان و جواز حکومت زنان، بر اساس ۲ آیه از سوره‌ی نمل از دیدگاه مفسران بررسی شده است. چنان‌که مشاهده می‌شود تحقیقات انجام‌شده، به دلالت‌های کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ در تربیت اجتماعی زنان نپرداخته‌اند و از نظر بستر پژوهشی با مقاله حاضر متفاوت هستند.

۲. مفهوم‌شناسی تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی به پرورش جنبه‌هایی از شخصیت انسان اشاره دارد که به تعامل فرد با دیگران، در انجام مسئولیت‌های اجتماعی مربوط است (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵)؛ به عبارت دیگر، تربیت اجتماعی، آشنایی با مفاهیم گوناگون زندگی گروهی و مزایا و محدودیت‌های زندگی اجتماعی و شناخت گروه‌های اجتماعی و ارزش‌ها و قوانین حاکم بر آنهاست (شکوهی، ۱۳۹۳، ص ۲۳). برخی از عناصر تربیت اجتماعی عبارتند از: تقویت روابط اجتماعی، رشد آگاهی‌های اجتماعی، رفتار اجتماعی، بسط افکار و ارزش‌های اجتماعی و اهداف مشترک (نحلاوی، ۲۰۰۶، ص ۷۵).

توجه به تفاوت‌های جنسیتی، یکی از مهم‌ترین ملاحظات در تحقق تربیت اجتماعی است. آموزه‌های قرآنی که سبب اصلاح رابطه‌ی انسان با دیگران می‌شود و غایت قرب الهی را پیش رو قرار داده، با راهبردهای متنوعی، انسان را به مسیر تربیت اجتماعی رهنمون ساخته است. یکی از راهبردهای قرآنی برای ارائه‌ی اصول تربیت اجتماعی زنان، ارائه‌ی الگوهایی از زنان برگزیده در داستان‌های قرآنی است. به همین منظور، دقت نظرهای کاربردشناسی زبان، نکات قابل‌تأملی را در تحقق تربیت اجتماعی زنان هویدا می‌سازد.

۳. صورت‌بندی «نظریه‌ی کنش‌گفتاری»^۱

از دید زبان‌شناسان، گفته‌ها، وقایع زبانی یا کنش‌های زبانی هستند که برای نتایج خاص یا اثرات ویژه در نظر گرفته شده‌اند. از این دیدگاه، برای دریافت دقیق معنای یک جمله و متن، علاوه بر معانی ظاهری و درج‌شده در فرهنگ لغت برای واژگان، عواملی همچون موقعیت‌های اجتماعی، زمان و مکان و اشتراکات فرهنگی نقش بسیاری دارند که به این عوامل، بافت گفته می‌شود (کوک، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

بدین ترتیب برای فهم متون، تحلیل‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و تاریخی ضروری است؛ پس مرز تفکیک نحو، معناشناسی و کاربردشناسی، به‌عنوان زیرمجموعه‌های زبان‌شناسی، در گرو بافت است. در واقع، نحو به مطالعه و بررسی جمله‌ها می‌پردازد؛ معناشناسی، گزاره‌ها را مطالعه می‌کند و کاربردشناسی، کنش‌های بیانی و بافت پیرامونی را بررسی می‌نماید و کاربردشناسان در پی آن هستند که نمود بیرونی زبان، در موقعیت پیرامونی تبیین شود (صانعی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۶۲). کاربردشناسی بیش از آنکه به نوع ارتباط نحوی میان واژگان بپردازد، بر روی ویژگی‌های گوینده و مخاطب و شرایط گفتگو و بافت حاکم بر گفتگو متمرکز می‌شود.

کاربردشناسی زبان، از رهگذر تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی، نقش برجسته‌ای در فهم و انتقال معنای ژرف آیات قرآنی ایفا می‌کند و سطوح نوینی از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را فراروی مخاطبان قرار می‌دهد. در کاربردشناسی زبان، معنای گزاره‌ها در بافتی که تولیدشده کاوش می‌شود و در تحلیل متن بسیار مؤثر است.

نظریه‌ی کنش‌های گفتاری، یکی از نظریات مطرح در حوزه‌ی کاربردشناسی زبان است. نگاه به متون دینی به‌عنوان کنش سبب می‌شود تا ماهیت این متون با توجه به بسته‌های تربیتی، اجتماعی، تاریخی و ادبی آن متن، به‌صورت نظام‌مندی تفسیر شود (بوتا، ۱۹۹۱، ص ۳۰۰). از نظر سرل، زبان به‌مثابه پدیده‌ای اجتماعی، دربردارنده‌ی کارگفت‌هایی است که مطابق وضع روانی گوینده، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود (سرل، ۱۹۶۹، ص ۹۰). سرل شاگرد شهیر آستین، یکی از پیشگامان فلسفه‌ی زبان، به بررسی نقش گفتار در ارتباط با رفتار گوینده و شنونده پرداخته و کنش‌های گفتاری را به ۵ دسته تقسیم کرده است:

-کنش اظهاری (تصریحی)^۲: کاربر زبان با استفاده از واژه‌هایی با درون‌مایه‌ی شرح، نفی، نقد، اعتراض، گزارش‌دهی و دلیل‌آوری، باورهای خود را درباره‌ی درستی امور بیان می‌کند، بر موضوعی تأکید می‌نماید و یا به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

-کنش ترغیبی^۳: کاربر زبان با استفاده از واژه‌هایی با درون‌مایه‌ی دستور، درخواست، پیشنهاد و اطمینان‌دهی، مخاطب را به انجام یا ترک رفتاری تشویق می‌کند.

1- Speech act theory
2- Representative act
3- Directive act

-کنش عاطفی^۱: کاربر زبان با استفاده از واژه‌ها، احساس مثبت یا منفی خود نسبت به رخدادهای را ابراز می‌کند.

-کنش تعهدی^۲: کاربر زبان با استفاده از واژه‌هایی با درون‌مایه‌ی قول دادن، سوگند خوردن و موافقت کردن، تعهد خویش نسبت به انجام عملی در آینده را بیان می‌کند.

-کنش اعلامی^۳: کاربر زبان با استفاده از واژگانی با درون‌مایه‌ی منصوب کردن، اخراج کردن، باطل کردن و نام‌گذاری، رویدادی جدید را اعلام می‌کند (سرل، ۱۹۷۹، ص ۴۰).

هرچند الگوی کنش‌های گفتاری در زبان‌شناسی معاصر، در ظاهر با مباحث بلاغت سنتی همچون حال و مقام، کاربردهای ثانوی کلام، تقدیم و تأخیر اجزای کلام قرابت‌هایی دارد؛ اما می‌توان ادعان داشت دسته‌بندی ارائه‌شده در این الگو، جامعیت قابل‌پذیرشی در تحلیل کنش‌ها، بر اساس سیاق و بافت ارائه داده است.

۴. نگاهی به بافت موقعیتی

در تحلیل‌های کنش‌گفتاری، به عوامل برون زبانی یا بافت موقعیتی توجه می‌شود؛ به عبارت دیگر، در این‌گونه تحلیل، چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا در پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل برون‌زبانی، واحدهای زبانی و نیز کل نظام زبانی و عوامل برون‌زبانی (بافت اجتماعی، فرهنگی، موقعیتی) بررسی می‌شود. بنیان‌گذاران نظریه‌ی کنش‌گفتاری، همه‌ی اظهارات زبانی را از مقوله‌ی فعل می‌دانند؛ بدین معنا که ارتباط زبانی هنگامی تحقق می‌یابد که گوینده کنش‌گفتاری انجام دهد (قائم‌نیا، ۱۳۸۱، ص ۹)؛ بنابراین، نقش جملات در عمل و فعلی است که از آنها ناشی می‌شود. منظور اصلی زبان، کار و عمل است و از رهگذر تأثیر بافت موقعیتی، بررسی گفتمان آشکار می‌گردد.

روایت ملکه‌ی سبأ در ملک سلیمان نبی^(ع) شکل می‌گیرد. در قرآن، از مکان دقیق سرزمین سلیمان^(ع) سخنی نیست؛ اما بر اساس شواهد تاریخی، در فلسطین امروزی یا اورشلیم بوده است. اورشلیم از دو واژه‌ی «اور» به معنای زمین و «سلیم» به معنای سلیمان تشکیل شده است (ملا حویس آل‌غازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۴۴). برخی بر این اعتقادند که محل اصلی قوم سبأ، تمدن عظیمی است که در شرق شهر صنعا پایتخت کنونی یمن بوده است (قرشی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۲۰۳) سلیمان فرزند حضرت داود^(ع) و در شمار رسولان بنی‌اسرائیل بوده و بر اساس آیات، از امتیازاتی ویژه بهره‌مند بوده است:

-تسخیر بادها به‌عنوان مرکبی برای دسترسی به مناطق دوردست: «وَلِسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا» (الانبیاء: ۸۱)؛

1- Expressive act
2- Commissive act
3- Declaration act

-تسخیر موجودات سرکش برای انجام کارهای مثبت: «وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَاءٍ وَغَوَاصٍ» (ص: ۳۸):
-اختیارات فراوان در امور گوناگون: «هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (همان: ۳۸):
-مقامات معنوی: «وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ» (همان: ۳۸).

تصویری که قرآن از سلیمان ترسیم می‌کند، پیامبری بلندمرتبه، دارای علم فراوان و تقوای والاست و با اوصاف «أَوَّابٌ» (همان: ۳۰)، «ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا» (الانبیاء، ۷۹) و «نِعْمَ الْعَبْدُ» (ص، ۳۰) ستوده شده است.

بر اساس گزارش‌های تاریخی و روایی، ملکه‌ی سبأ، دختر شراحیل‌بن مالک‌بن ریان با نام بلقیس بود (السیوطی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۱۰۵). برخی بر این اعتقادند که واژه‌ی بلقیس مرکب از دو واژه‌ی «بل» مخفف «بعل» یعنی خورشید و «قیاس»، به معنای ملکه‌ای است که همچون خورشید است یا ملکه‌ای که همچون اهالی مشرق، کیش خورشیدپرستی دارد (بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱). بر اساس آیات، ملکه‌ی سبأ شخصیتی پرتوان، حقیقت‌بین، آینده‌نگر، خردمند و پویاست که تحت تأثیر گرایش‌های عاطفی خود قرار ندارد و از عهده‌ی حکمرانی یک سرزمین نسبتاً وسیع و خشک برآمده است. او در ابتدا خورشیدپرست بود؛ اما به دعوت سلیمان یکتاپرست شد و به آیین توحیدی روی آورد (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۹، ص ۹۲).

در آیات سوره‌ی نمل، از قوم سبأ نیز سخن به میان می‌آید که از آنان به «الْمَلَأُ» (النمل: ۲۹) تعبیر شده است. هنگامی که هدهد، نامه‌ی سلیمان را به ملکه داد، وی درباره‌ی نامه با این گروه مشورت می‌کند. «الْمَلَأُ» در لغت، به معنای گروهی از مردم است که هیبت آنان، چشم‌ها را خیره می‌کند و در زمهری اشراف و بزرگان قوم هستند (الطریحی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۹۶) و بر یک دیدگاه، اتفاق نظر دارند (راغب الاصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۷۶).

۵. تحلیل کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ

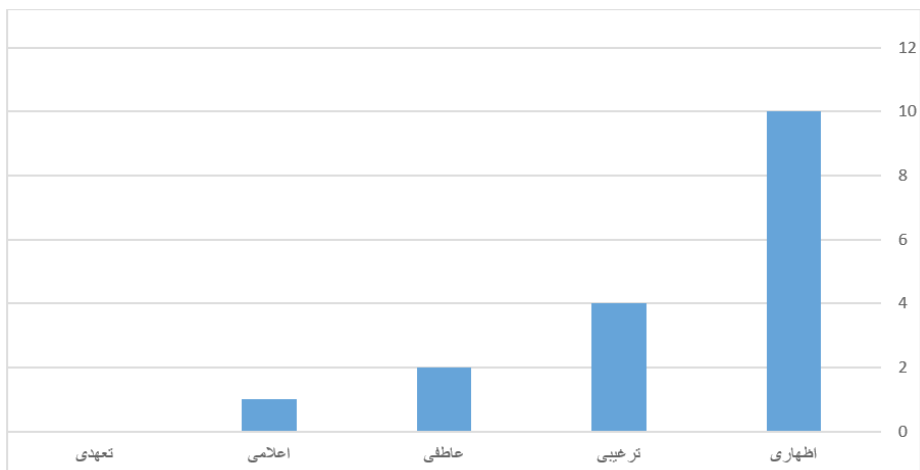
ملکه‌ی سبأ زمامدار مردمانی بود که آنان به‌طور اختیاری، سررشته‌ی امور را به او سپرده بودند (ابوزهره، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۴۴). حضرت سلیمان پس از اطلاع‌یابی درباره‌ی وجود ملکه‌ای خورشیدپرست در سرزمین سبأ، به‌وسیله‌ی نامه‌ای از ایشان می‌خواهد که بر او برتری‌جویی نکند. ملکه پس از دریافت نامه‌ی سلیمان، آن را ارجمند و گرامی می‌خواند و از اطرافیان برای بررسی اوضاع نظرخواهی می‌کند. سران کشور، توان نظامی خود را یادآور می‌شوند و در پایان، تصمیم نهایی را بر عهده‌ی ملکه می‌گذارند. ملکه با حزم و دوراندیشی بیان می‌کند: «تجربه چنین ثابت کرده آنگاه که پادشاهان به سرزمینی حمله کنند، ملت را ذلیل و بزرگان را خوار می‌کنند؛ بنابراین، فکر جنگ را رد می‌کند و هدیه‌ای برای آن حضرت می‌فرستد.

سلیمان هدیه را نمی‌پذیرد و به فرستادگان می‌گوید: به فرمانروای خود گوشزد کنید که سلیمان نیازی به این اندوخته‌های فناپذیر دنیایی ندارد، بلکه شما به هدایای خود خشنود باشید و در پایان، به آنان نسبت به جنگی ویرانگر همراه با خواری و ذلت هشدار می‌دهد. سلیمان از بزرگان خویش می‌خواهد که تخت باشکوه ملکه را با اندکی تغییر برای او آماده

کنند؛ اما ملکه با حالت حیرت و تردید، تخت خود را شناسایی و به قدرت ماورایی سلیمان اعتراف می‌کند. در این داستان، وارستگی ملکه از لجاجت‌های نابخردانه آشکار است. او که با نور ایمان توأم با عقیده‌ی توحیدی احاطه شده بود، با اظهار جمله‌ی «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (النمل: ۴۴) اقرار می‌کند که در زمره‌ی یکتاپرستان قرار گرفته و پیرو آیین سلیمان شده است (ابوزهره، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۴۵۹).

اکنون گفتارهای ملکه‌ی سبأ، با توجه به الگوی ارائه‌شده‌ی سرل درباره‌ی کنش‌های گفتاری، واکاوی و بررسی می‌شود تا از این رهگذر، الگوی حضور اجتماعی زنان از دیدگاه قرآنی استخراج گردد:

ردیف	آیه	توضیح	نوع کنش
۱	يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ	دعوت به شنیدن	ترغیبی
۲	إِنِّي الْفَقِي إِنِّي كِتَابٌ كَرِيمٌ	بیان کردن	اظهاری
۳	إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ	معرفی کردن	اظهاری
۴	وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	تأکید کردن	اظهاری
۵	قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ	دعوت به شنیدن	ترغیبی
۶	أَفْتُونِي فِي أَمْرِي	درخواست کردن	ترغیبی
۷	مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ	دلیل آوردن	اظهاری
۸	قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا	توصیف کردن	اظهاری
۹	وَ جَعَلُوا أَعْرَآءَ أَهْلِهَا آذِنًا	شرح دادن	اظهاری
۱۰	وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ	دلیل آوردن	اظهاری
۱۱	وَ إِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ	گزارش دادن	اعلامی
۱۲	فَنَظَرُوهَا بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ	توصیه کردن	اظهاری
۱۳	قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ	تعجب کردن	عاطفی
۱۴	وَ أُوْتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا	شرح دادن	اعلامی
۱۵	وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ	ادعا کردن	اظهاری
۱۶	قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي	اظهار تأسف کردن	عاطفی
۱۷	وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ	اعلام کردن	اعلامی



۶. تحلیل داده‌ها

از رهگذر تحلیل کنش‌گفتارهای بانوی برگزیده قرآنی می‌توان گفت بسامد هریک از کنش‌گفتارهای الگوی سرل، متناسب با مفهوم آیات و ترسیم‌کننده‌ی نگاه متعالی قرآنی به شرایط حضور اجتماعی زنان است و توجه به این موضوع، در ارتباطات اجتماعی زنان بسیار مؤثر و قابل‌تأمل است. این الگو تعیین‌کننده‌ی بایدها و نبایدهای رفتار اجتماعی زنان و ترسیم‌کننده‌ی الگوی پذیرفته‌شده‌ی فرهنگی قرآنی است. بر اساس این الگو می‌توان به تحلیل ذیل در ارتباطات اجتماعی زنان دست یافت:

۶-۱. خردورزی و حضور عقیفانه

زن از زیرسازهای بسیاری از قالب‌های ادبی و هنری است. حضور زن در قرآن، به سبب نقش‌آفرینی وی در بخشی از تاریخ و جریان‌های اجتماعی است. به‌رغم دیگر آثار، زن در قرآن، ابزار جذب مخاطب و عامل انگیزش احساس و هیجان نیست، بلکه کنش‌های رفتاری و گفتاری وی، مخاطبان را به‌سوی مقاصد ژرف قرآنی پیش می‌برد.

مطابق جدول، کنش‌گفتارهای اظهاری ملکه‌ی سبأ، نسبت به دیگر کنش‌گفتارها بسامد بیشتری دارد. گفتارهای اظهاری در خدمت توصیف، تشریح و ... است. کنش اظهاری برای توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده درباره‌ی آن اطلاعات جامعی دارد و عقیده‌ی خود را درباره‌ی درستی‌ونادرستی مطلبی اظهار می‌کند و محتوای گزاره‌ای را بر جهان و محیط مطابقت می‌دهد. محتوا و درون‌مایه‌ی کنش‌گفتارهای اظهاری ملکه، از عیار گفتار قرآنی برخوردار است که در آن لحن ملایم «فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا» (الاسراء: ۲۸)، بیانی رسا «وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا» (النساء: ۶۳)، سخنی استوار و موافق با واقع «وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب: ۷۰)، غیر اغواگر «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (النساء: ۸) به‌صورت آشکاری مشاهده می‌شود.

تعدد کنش‌های اظهاری ملکه، گویای حضور وی در جامعه با هدف اصلاح رویکردهای غالب معاصر خود است و این امر منوط به رعایت حضور عقیفانه در گفتارها و تعاملات اجتماعی است. ملکه، عفاف را پایه‌ی کنش‌های گفتاری خود قرار می‌دهد. ارتباط عقیفانه به معنای احتراز از آنچه در گفتار و کردار شایسته و نیکو نیست، در وجود ملکه تجلی بارزی دارد. از دیدگاه قرآن‌پژوهان، ملکه‌ی سبأ با وجود برخورداری از جاه و مال فراوان، به طبع زنانگی خویش، با احتیاط و عفاف پیش می‌رود و در نهایت، همین ویژگی‌های نیکوی زنانه، او را به تسلیم در برابر حق وامی‌دارد (خلف‌الله، ۱۹۹۹، ص ۳۰۸).

ارتباط کلامی عقیفانه، از عناصر تحکیم‌بخش روابط اجتماعی است که به‌واسطه‌ی آن، احترام متقابل حفظ می‌شود و شخصیت اجتماعی انسان‌ها خدشه‌دار نمی‌گردد. حضور اجتماعی زن، منوط به رشد استعدادها و اجتناب از ابتدال و رعایت ضوابطی است که ضامن شأن زن است. عفاف در سطوح ارتباطات انسانی، به معنای غلبه‌ی عقلانیت بر عواطف و حفظ هویت در تعاملات اجتماعی است. جلوه‌ی عفاف در گفتار، به‌منزله‌ی یکی از نمادهای عفاف ارتباطی، زمینه‌ساز تأمین امنیت اجتماعی به‌شمار می‌آید.

یکی دیگر از دستاوردهای کنش‌گفتارهای ملکه، شناسایی شاخصه‌های وضعیت مطلوب در فرایند کنترل اجتماعی است. ملکه‌ی سبأ با حضوری فراجنسیتی، هشیارانه وارد عرصه‌ی اجتماع می‌شود و به‌عنوان فرمانروا و یا رکن سیاسی جامعه، مصداقی از رفتار اجتماعی سالم را ارائه می‌دهد.

تأمل در کنش‌گفتار ترغیبی ملکه، پس از ارسال هدیه برای سلیمان، «فَنَاطِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (النمل: ۳۵) نشانگر آن است که او با هدف تشخیص صحت دعوت سلیمان، رویه‌ی عاقلانه‌ای در پیش می‌گیرد و واکنش‌ها و رفتارهای وی را ارزیابی می‌کند و ادامه‌ی ارتباط را منوط به واکنش صحیح مخاطب می‌داند و از هرگونه شتاب‌زدگی در گفتار و تصمیم‌گیری اجتناب می‌کند. از دیدگاه مفسران، وی در مواجهه با حضرت سلیمان، با مصلحت‌اندیشی و یافتن مسیری صلح‌آمیز، از جان و مال مردم محافظت کرده است (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ص ۵۴). بدین ترتیب، کنش‌گفتارهای اظهاری متن، انعکاس‌دهنده‌ی فضا و عملکرد اجتماعی ملکه است.

کنش‌گفتاری اظهاری بر پایه‌ی مسلمات شناختی استوار می‌شود: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَظَ أَهْلِهَا آذِلَّةً» (النمل: ۳۴). ملکه، واقعیت جهانی فاسد بر پایه‌ی تحمیل قدرت و به بردگی کشیدن و تخریب را بیان کرده است. ملکه بر پایه‌ی استدلال به شواهد تاریخی تصریح می‌کند که سیره‌ی فرمانروایان ستمکار آن است که اگر جنگ رخ دهد، سرزمین‌ها منهدم می‌شود؛ همچنین صحت این مسئله، با پاره‌گفتاری دیگر تصدیق می‌گردد: «وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (همان: ۳۴) و به این ترتیب، استدلال درباره‌ی آینده، به استناد شاهدی تاریخی انجام می‌شود. کنش‌گفتار اظهاری بر پایه‌ی تدبیر و مصلحت‌اندیشی شکل می‌گیرد و نکته‌ی ظریف این است که گفتمان‌پرداز، زنی برخوردار از هوشمندی و خردورزی دوراندیشانه است که فراتر از مشاوران خود، به پیش‌بینی وقایع آینده می‌پردازد. گفتمان، شخصیتی عقیف و با درایت را نشان می‌دهد که جایگاه سلیمان نبی^(ع) و درستی دعوت توحیدی وی را درک می‌کند و مطابق پیش‌فرض‌های رفتار عقیفانه در نگاه قرآنی حضور می‌یابد.

۶-۲. بهره‌جویی از دیدگاه‌ها

کنش‌گفتارهای ترغیبی ملکه‌ی سبأ، برای بیان خواسته‌ها و ترغیب مخاطبان به برآوردن درخواست‌ها استفاده شده است. جمله‌ی انشایی ندا، برای فراخواندن و دعوت برای مشورت است که تقدیر آن «ادعو» یا «انادی» است که حرف «یا» بر آن دلالت می‌کند. کنش‌گفتاری ترغیبی، دو بار به صورت «يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ» (همان: ۳۲، ۳۸)، از جانب ملکه برای درخواست نصیحت و دعوت به همفکری از کارگزاران آمده است (ابوزه‌رهه، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۵۴۵۱) و بر فراست و دوران‌دیشی ملکه دلالت دارد (صابونی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۳۷۵)؛ زیرا در امور کلان، جویای عقل جمعی می‌شود. ملکه با اسلوب ندا، کارگزاران را از هر بخش و حوزه‌ی فرمانروایی، به مشورت دعوت می‌کند و برای مواجهه‌ی صحیح با این پیشامد، از دیدگاه‌های آنان بهره می‌گیرد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۱۷، ص ۲۰۴). ملکه‌ی سبأ، به‌عنوان زنی که در تصمیم‌گیری‌های اثرگذار بر زندگی جامعه‌ی خود سهیم است و حضوری فعالانه در تحولات معاصر خود دارد، پس از دریافت نامه‌ی حضرت سلیمان، نظر آنان را درباره‌ی اقدامات لازم در برابر نامه جویا می‌شود. کنش‌گفتارهای ترغیبی ملکه، در بردارنده‌ی مؤلفه‌هایی از جمله جمع‌گرایی، میل به کار گروهی، نوپذیری و عدالت‌جویی است. نظرخواهی از دیگران، جزء جدایی‌ناپذیر تصمیم‌گیری در امور کلان به‌شمار می‌آید. یکی از مفسران معاصر در این باره می‌نویسد: درحالی‌که اطرافیان ملکه‌ی سبأ، برای جنگ اعلام آمادگی کردند، طبع ظریف زنانه‌ی او موافق جنگ نبود؛ بنابراین، نظر آنان را به مسائل دیگر معطوف داشت. از این گذشته، اگر او تسلیم جنگ طلبی اطرافیان خود می‌شد، از حقیقت دور می‌ماند و اقدام او برای آزمایش سلیمان از طریق فرستادن هدیه، نتیجه‌ی بسیار خوبی برای خودش و هم برای مردم کشور به‌بار آورد و سبب شد که آنان راه حق را بیابند و به خونریزی متوسل نشوند. همچنین از این ماجرا روشن می‌شود که برنامه‌های شورایی چنان نیست که همیشه به حق منتهی شود؛ زیرا در این رخداد، عقیده‌ی بیشتر اطرافیان او این بود که توسل به نیروی نظامی مقدم است، درحالی‌که عقیده‌ی ملکه‌ی سبأ برخلاف آن بود و می‌توان گفت که این نوع مشورت، غیر از آن است که امروز در میان ما رایج است؛ ما نظر اکثریت را معیار قرار می‌دهیم و حق تصمیم‌گیری را برای آنان قائل هستیم، درحالی‌که در این نوع مشورت، حق تصمیم‌گیری با رهبر جمعیت است و مشاورین، تنها اظهارنظر می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۵۹).

۶-۳. توحیدمحوری

توحیدمحوری، اصلی اساسی در آموزه‌های قرآنی محسوب می‌شود. توحید علاوه بر آنکه تعبیری درباره‌ی ذات وجودی الهی است، راه و روشی برای کمال‌یابی و شناخت بنیادین عالم هستی است و همه‌ی جنبه‌های زندگی، حول آموزه‌ی توحید معنا می‌یابد. هر جلوه‌ای از وجود انسان، ارتباط فعالی با اصل توحید دارد. این امر فطری که مؤکداً مورد توجه رسالت‌های الهی قرار گرفته، در قرآن کریم، تنها منحصر به ساحت قلب و درونیات انسان نیست، بلکه اثر آن اعتقاد درونی در ساختار کنش‌گفتارهای شخصیت‌ها نیز کاملاً هویداست. از دیدگاه قرآن‌پژوهان، شخصیت ملکه‌ی سبأ، نمونه‌ی کامل تغییر و تحول از کفر به ایمان است، هرچند،

وی از لحاظ بهره‌مندی مالی و تجملات دنیوی، با فرعون همسان بوده است (علیان، ۱۹۹۲، ص ۳۰۵) و وی در منصب حکمرانی قرار دارد؛ اما در رویارویی با رخدادها، عواطف او بر عقل‌ورزی غلبه نمی‌کند و پس از طی مراحل متحول می‌شود و به توحید می‌گراید (عکاشه، ۲۰۱۴، ص ۲۳۵).

بافت پیرامونی کارگفت‌های ملکه و نقش مؤثر ملکه در تعیین سرنوشت جامعه سبب شده است. کاربست کنش‌گفتاری عاطفی از سوی ملکه، بسیار محدود گردد و بدین ترتیب، بر استفاده‌ی ابزار از کنش‌گفتار عاطفی از سوی زنان در عرصه‌های اجتماعی خط بطلان می‌کشد.

سلیمان نبی^(ع) که از راه‌های نامعلومی در آیات، از حرکت ملکه و کارگزارانش به سوی کشور خویش باخبر می‌شود، تلاش می‌کند زمینه‌ی مساعدتری برای ایمان آوردن ملکه ایجاد گردد. بدین ترتیب، با یاری جنیان و آصف‌بن برخیا (وزیر سلیمان)، تخت ملکه به محل استقرار سلیمان منتقل می‌شود (ابن‌الفهد الحلّی، ۱۴۰۷، ص ۵۹). ملکه پس از دیدن تخت، خطاب به پیام‌آور الهی گفت: «كَانَتْهُ هُوَ» (النمل: ۴۲). از دیدگاه یکی از مفسران معاصر، اگر ملکه می‌گفت: شبیه آن است، راه خطا پیموده بود و اگر می‌گفت: عین خود آن است، سخنی برخلاف احتیاط بود؛ زیرا با این بعد مسافت، آمدن تختش به سرزمین سلیمان، از طرق عادی امکان نداشت، مگر اینکه معجزه‌ای صورت گرفته باشد و بلافاصله افزود: «وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ» (همان: ۴۲)؛ یعنی اگر منظور سلیمان از این مقدمه‌چینی‌ها این است که ما به اعجاز او پی ببریم، ما پیش‌ازین، با نشانه‌های دیگری از حقانیت او آگاه شده بودیم و حتی پیش از دیدن این خارق‌عادت عجیب، ایمان آورده بودیم و چندان نیازی به این کار نبود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۴۷۹).

کنش‌گفتاری عاطفی دیگر، در بافت مناجات ملکه با خداوند متعال شکل می‌گیرد: «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» (النمل: ۴۴). ملکه در گفتار خود، نخست به درگاه پروردگار استغاثه می‌کند و به ظلم خود معترف می‌شود که خدای را تا آن روز نپرستیده است؛ سپس در قالب کنش‌گفتار اعلامی، به اسلام و تسلیم خود در برابر خدا شهادت می‌دهد و می‌گوید: «أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ» (همان: ۴۴). او التفاق نسبت به خدای تعالی به کار می‌برد، التفات از خطاب به غیبت و وجه التفات آن است که خواست از ایمان اجمالی به خدا در جمله‌ی «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي» (همان: ۴۴)، به توحید صریح انتقال یابد؛ چون در جمله بعدی، اسلام خود را بر طریقه‌ی اسلام سلیمان دانست که همان توحید صریح باشد و آنگاه تصریح خود را با جمله‌ی «رَبِّ الْعَالَمِينَ» تأکید کرد؛ یعنی اقرار دارم که جز خدا، در هیچ جای عالمیان، ربی نیست و این همان توحید در ربوبیت است که مستلزم توحید در عبادت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۶۶).

از دیدگاه مفسران، ظلم به نفس، همان شرک است. ملکه می‌دانست که سلیمان از سوی خداوند متعال حمایت می‌شود و در دعوت خود صادق است و دین ملکه و قومش باطل؛ بدین سبب اعتراف کرد که با پرستش خورشید، به خود ظلم کرده است و این اولین سطح اعتقاد است؛ سپس به سطح بالاتری صعود کرد: سطح آراسته شدن به ایمان درست و اعتراف به اینکه خداوند، همان پروردگار جهانیان است (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴، ج ۱۹، ص ۲۶۸).

ملکه در کنش‌گفتاری اخیر اعلام می‌کند که خداوند! من همراه رهبرم سلیمان به درگاه تو آمدم، از گذشته پشیمانم و سر تسلیم به استانت می‌سایم. جالب اینکه او در اینجا، واژه‌ی «مَعَ»

یا «همراه سلیمان» را به کار می‌برد تا روشن شود در راه خدا، همه برادرند و برابر؛ نه همچون راه و رسم جباران که برخی مسلط و گروهی در چنگال گروهی اسیرند. در فضای توحیدی، غالب و مغلوبی وجود ندارد و همه پس از پذیرش حق، در یک صف قرار دارند. هرچند ملکه‌ی سبأ، پیشتر هم ایمان خود را اعلام کرده بود: «وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَ كُنَّا مُسْلِمِينَ» (النمل: ۴۲)؛ ولی در اینجا با تأکید بیشتر، اسلام آوردن خویش را اعلام کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۳۶۶).

گفتنی است انسان‌ها به لحاظ شاکله و ویژگی‌های شخصیتی، هرکدام موجودی منحصر به فرد هستند و آنچه این نفوس گوناگون را باهم مانوس می‌سازد، تشابهاتی است که در باورهای آنان وجود دارد. این اشتراک معرفتی در صورتی حاصل می‌شود که کنشگران در اجتماع، طرز تلقی و باورهای واحدی درباره‌ی وجوه بنیادین حیات انسانی داشته باشند که عبارت از خدا، جهان و انسان است؛ به عبارت دیگر، تعامل متقابل، هنگامی به احساس پیوستگی اجتماعی می‌انجامد که نظام معنایی افراد، به توافق نسبی در باورها رسیده باشند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحلیل داستان ملکه‌ی سبأ در قرآن، با استفاده از نظریه‌ی کنش‌گفتارها در حوزه‌ی دانش کاربردشناسی، بیانگر آن است که:

- زبان عامل اصلی ارتباط و دربردارنده‌ی پیام‌های تربیتی است و بر اساس نظریه‌ی کنش‌گفتاری سرل، می‌توان به تحلیل ارتباطات اجتماعی در گفتارهای شخصیت‌های قرآنی پرداخت.

- کاربردشناسی زبان به‌عنوان یکی از انواع مطالعات میان‌رشته‌ای، با هدف ارائه‌ی تحلیل‌های تربیتی، از رهگذر تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی، نقش برجسته‌ای در فهم و انتقال معنای ژرف آیات قرآنی ایفا می‌کند و سطوح نوینی از مفاهیم و آموزه‌های قرآنی را فراروی مخاطبان قرار می‌دهد. در کاربردشناسی زبان، معنای گزاره‌ها در بافتی که تولید شده کاوش می‌شود و در تحلیل متن بسیار مؤثر است.

- با توجه به آنکه امروزه، موضوع مسئولیت اجتماعی زنان به‌منظور تکامل بخشی به جامعه، یکی از مختصات عصر کنونی به‌شمار می‌آید، شناخت الگوهای مثبت زنان در قصص قرآنی، برای تحقق تربیت اجتماعی امری بایسته است.

- از رهگذر بازخوانی گفتمان ملکه‌ی سبأ و بررسی انواع کنش‌گفتارهای وی، نحوه‌ی حضور زنان در صحنه‌ی زندگی اجتماعی استنباط می‌شود.

- بسامد انواع کنش‌گفتارهای ملکه‌ی سبأ، مطابق پیش‌فرض‌های رفتار عقیفانه در نگاه قرآنی است. کنش‌گفتارهای زنان در عرصه‌های اجتماعی، از نوع اظهاری و بعضاً ترغیبی، با هدف تحقق مصلحت‌های جمعی است.

- کنش‌گفتار عاطفی و اعلامی به‌صورت محدود و تنها در تعامل ملکه‌ی سبأ با خداوند متعال و همچنین پیام‌آور الهی مشاهده می‌شود، چنین رویه‌ای می‌تواند الگوی زن مسلمان در دوران کنونی باشد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن الفهد الحلّی، احمد بن محمد؛ عده الداعی و نجاح الساعی؛ تحقیق احمد موحدی قمی؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد؛ التحریر و التنویر؛ تونس: الدار التونسیه للنشر، ۱۹۸۴ م.
- ابوزهره، محمد؛ زهره التفاسیر؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
- بلاغی، سید عبدالحجت؛ حجه التفاسیر و بلاغ الاکسیر؛ قم: حکمت، ۱۳۸۶ ش.
- جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آیین جلال و جمال؛ قم: اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی؛ درآمدی بر نظام تربیتی اسلام؛ قم: تحقیقات و تدوین متون درسی مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۷۷ ش.
- حفنی، عبدالحلیم؛ اسلوب المحاوره فی القرآن الکریم؛ چاپ سوم، مصر: هیئته المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۵ م.
- خلف‌الله، محمد احمد؛ الفن القصصی فی القرآن الکریم؛ عرض و تحلیل خلیل عبدالکریم؛ چاپ چهارم، بیروت: موسسه الانتشار العربی، ۱۹۹۹ م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ ق.
- زحیلی، وهبه؛ التفسیر الوسیط؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۲ ق.
- سید قطب؛ نمایش هنر در قرآن؛ ترجمه‌ی محمدعلی عابدی؛ تهران: انقلاب، ۱۳۵۹ ش.
- السیوطی، جلال‌الدین؛ الدر المنثور فی تفسیر الماثور؛ قم: کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ ق.
- شکوهی، غلامحسین؛ مبانی و اصول آموزش و پرورش؛ چاپ دوازدهم، مشهد: موسسه چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۹۳ ش.
- صابونی، محمدعلی؛ صفة التفاسیر؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۱ ق.
- صانع‌پور، محمدحسن؛ مبانی تحلیل کارگفتی در قرآن کریم؛ تهران: امام صادق، ۱۳۹۰ ش.
- صفوی، کوروش؛ از زبان‌شناسی به ادبیات؛ تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳ ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چاپ پنجم، قم: اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
- طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- الطریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین و مطلع النیرین؛ قم: بعثت، ۱۴۱۵ ق.
- عکاشه، محمود؛ تحلیل الخطاب فی ضوء نظریه أحداث اللغه؛ قاهره: دار النشر للجامعات، ۲۰۱۴ م.
- علیان، مصطفی؛ بناء الشخصیه فی القصة القرآنیه؛ عمان: دارالبشیر، ۱۹۹۲ م.
- فتوحی، محمود؛ سبک‌شناسی؛ نظریه، رویکردها و روش‌ها؛ تهران: سخن، ۱۳۹۰ ش.
- فضل‌الله، محمدحسین؛ گفتگو و تفاهم در قرآن کریم، روش‌ها الگوها و دستاوردها؛ ترجمه‌ی سید حسین میردامادی. تهران: هرمس، ۱۳۸۰ ش.
- _____؛ من وحی القرآن؛ لبنان: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.

- قائمی‌نیا، علی‌رضا؛ وحی و افعال گفتاری؛ قم: زلال کوثر، ۱۳۸۱ ش.
- قرشی، سید علی‌اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث؛ تهران: واحد تحقیقات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- کوک، گای؛ زبان‌شناسی کاربردی؛ ترجمه‌ی مصطفی حسرتی و دیگران؛ کرمانشاه: دانشگاه رازی، ۱۳۸۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- ملا حویش آل‌غازی، عبدالقادر؛ بیان المعانی؛ دمشق: مطبعه الترقی، ۱۳۸۲ ش.
- نحلاوی، عبدالرحمن؛ التریبه الاجتماعیه فی الاسلام؛ دمشق: دارالفکر، ۲۰۰۶ م.
- Botha, J.E (1991), Speech act theory and new testament exegesis. HTS, 47/ 2.
- Searls, J. R (1969), Speech acts. Cambridge University Press.
- Searls, J.R (1979), Expression and meaning: studies in the theory of the speech act. Cambridge University Press.

